

بستان (۲)

نام حبیب هست

و نشان حبیب نیست^۱

گزارشی از کتاب معالم المدینه

مریم حقی (کورانی)

چکیده:

کتاب معالم المدینه المنوره بین العماره و التاريخ اثر عبدالعزيز الکعکی کتابی حجیم در ۳۰ جلد (۹ جزء) است که در تغییر بعضی از سیاست های شهرسازی در مدینه تأثیرگذار بود. نویسنده در این کتاب تلاش کرده میراث در حال نابودی نخستین شهر اسلامی را که در شصت سال اخیر بیش از ۲۵ برابر گسترش یافته، ثبت نماید. نخستین بخش کتاب در ۱۹۹۸ منتشر شد و تألیف و چاپ آن در ۲۰۱۵ به پایان رسید. نگارنده در نوشتار حاضر، به معرفی این اثر اقدام کرده است. وی در راستای این هدف، نخست به اختصار به معرفی نویسنده پرداخته و سپس، نگاهی به عنوان هر جلد از این کتاب دارد. در ادامه، سازماندهی مطالب و محتوای کتاب را واکاوی و به ارائه اطلاعاتی پیرامون مراحل و روش کار کعکی در تدوین کتاب و نیز طرز فکر مذهبی وی پرداخته است.

کلیدواژه‌ها:

کتاب معالم المدینه المنوره بین العماره و التاريخ، عبدالعزيز الکعکی، مدینه شناسی، معرفی کتاب، شهرسازی، مدینه، اماکن تاریخ.

چندین دهه است که کسانی کمر بسته و به حکم مفتیان وهابی، تیشه بر ریشه میراث دینی و باستانی حجاز می‌زنند. آنها نه تنها بقای آثار پیش از اسلام را روانی دارند، بلکه حیات بسیاری از آثار اسلامی را نیز بر نمی‌تابند. بسیاری از خانه‌ها، مساجد، مزارها و یادگارهایی که قرن‌ها از تاراج و آتش و طوفان جان سالم به در برده‌اند، در قرن گذشته از دینامیت و بولدوهرهای فتوا در امان نمانده‌اند، اما نپندارید همه بیست میلیون شهروند سعودی، یک صدا حامی این‌گونه طرح‌های «توسعه» و «شهرسازی» اند. در این نوشتار به معرفی کتابی می‌پردازیم که نویسنده عربستانی‌اش عمری را گذاشته تا میراث در حال نابودی نخستین شهر اسلامی را که در شصت سال اخیر بیش از ۲۵ برابر گسترش یافته، با دقتی کم‌نظیر ثبت نماید.

مدینه پیامبر

مدینه با پیامبر «مدینه» شد. در میان چند کوه و سنگزار آتشفشانی، یثرب آبادی ای بود با چندین نخلستان و قلعه کوچک و بزرگ و ساکنانی یهودی و عرب یمنی‌تبار. دو قبیله عرب یثرب صد و هفتاد سال بود که در جنگ و ستیز بودند. وقتی شنیدند جوانمردی در مکه (در ۴۰۰ کیلومتری مدینه) مردم را به یکتاپرستی و نیکویی می‌خواند او را دعوت کردند و «انصار»^۲ شدند. پیامبر پس از مهاجرت پیش از هر کار میان ساکنان آن - از هردین و نژادی - چند پیمان صلح و اتحاد بست. این بود که یثرب «مدینه پیامبر» شد. پیش از آن در «بلاد» عرب، «مدینه» ای نبود. بعدها بود که این واژه معادل «شهر» ترجمه شد. البته امروزه عبارت «مدینه النبی» در متون رسمی به ندرت به کار می‌رود. نام اداری این شهر «المدینه» یا «المدینه المنوره» (شهر نورانی) شده، همان طور ترتیب که «حزب النبی» و «مسجد النبی» جای خود را به «مسجد النبی» داده است.

مدینه شهر کهنسال زنده‌ای بود، نه مانند شهرهای باستانی متروکه (چون بعلبک) و نه مانند شهرهایی که هر تمدنش در بستر لایه‌ای خاک خفته و در زیر تمدن پسین مدفون شده (چون تپه سیکلک)، بلکه در زمره شهرهایی بود که هر بخش جدید آن در آغوش تمدن پیشین رشد کرده؛ مانند مکه و دمشق و قدس (اورشلیم)، اما قلب تپنده مدینه نه کعبه و مسجد که حرم مصطفای حبیب بود. قدم به قدمش قدمگاه او و هر گوشه‌اش

۱. این شعراز هوشنگ ابتهاج (سایه) است: گم‌گشته دیار محبت کجا رود؟ / نام حبیب هست و نشان حبیب نیست



یادگار نسل‌ها دوستداران او.^۲ حرم خدا و حرم پیامبر- همواره مقصد محبتان و محل نزاع حاکمان بود، اما همیشه حرمت آثار حفظ می‌شد تا آنکه وهابیان قدرت یافتند و از هم‌زیستی با آثار سرباز زدند.

ده سال پیش، در ۱۴۲۷ هـ.ق، از میان اعضای بلند پایه‌ترین انجمن دینی عربستان، «هیئۃ الکبار العلماء» فریادی برخاست. مفتی‌ای عربستانی به نام عبدالوهاب ابوسلیمان به سیاست‌های نابودی آثار اعتراض کرد. او که برخلاف بیشتر هیئت مالکی مذهب بود، نه در تریبون نماز جمعه و جماعت، بلکه در یک روزنامه مقاله‌ای درباره مشروعیت و لزوم حفظ و احیای این میراث و تأثیر مثبت آن در روحیه مسلمانان نوشت،^۳ اما با خیل انتقادات و اتهام‌های سلفیان مواجه شد. او را بدعت‌گزار نامیدند و تأکید کردند این کارها جانبدارانه، مشرکانه، غیر شرعی، خرافاتی، موهوم، بازگشت به جاهلیت، روشن فکر مآبانه، غیر عقلانی، مدرن‌زده، حمایت از غرب، تشبیه به یهودیان و مسیحیان، تحت تأثیر تبار عجمی و هندی وی (؟) و تبلیغ فساد و شرک صریح است.^۴

با وجود فشار چنین تندروانی، همچنان نویسندگانی هستند که می‌کوشند میراث عظیم در حال نابودی حرمین را ثبت کنند. یکی از مؤثرترین تألیفات که سرانجام در سیاست‌های توسعه مدینه هم اثر گذاشت، کتاب «معالم المدینه» بود.

نویسنده «معالم المدینه» عبدالعزیز الکعکی متولد ۱۹۵۶م در مدینه و در خانواده‌ای علاقمند به علوم دینی است. او خود را فردی معرفی می‌کند که از سویی عاشق مهندسی و از سوی دیگر عاشق مدینه و

کتاب سی جلدی معالم المدینه در کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران در قم. هر چند جلد، در یک قاب منتشر شده است.

با وجود فشار چنین تندروانی، همچنان نویسندگانی هستند که می‌کوشند میراث عظیم در حال نابودی حرمین را ثبت کنند. یکی از مؤثرترین تألیفات که سرانجام در سیاست‌های توسعه مدینه هم اثر گذاشت، کتاب «معالم المدینه» بود.

۲. اکنون تنها در ایالات متحده آمریکا ده‌ها شهر و شهرک و روستا (شاید مهاجرنشین) به یاد مدینه النبوی، مدینه نامیده شده‌اند. این مطلب در ویکی‌پدیای انگلیسی (مدخل Medina) آمده است و وبسایت دولتی USA.gov هم وجود شهرهایی با نام مدینه را در اوهایو، واشنگتن و... تأیید می‌کند.

۳. مقاله‌ای چهار قسمتی در روزنامه شکاظ، در مورخه ۱۰، ۴، ۳ و ۱۱ ربیع الاول ۱۴۲۷ با عنوان «عناية الملك عبدالعزيز رحمه الله بالاماكن التاريخية في مكة المكرمة».

۴. سه نمونه از نقدهای علمای ریاض:

- <http://www.alabdulltif.net/index.php?option=content&task=view&id=2580&Itemid=5>

- <http://www.saaidd.net/Doat/fahd/1.htm>

- http://www.saadalusayen.com/index.php?option=com_content&view=article&id=167:2013-09-11-15-02-25&catid=11:examplecategory&Itemid=2

۵. کتاب‌شناسی آثار موجود و معدوم، تاریخ نابودی آثار و واکنش‌های احتمالی به برخی نابودسازی‌ها، هر یک پژوهشی جداگانه می‌طلبد. در اینجا تنها به یک مورد ایرانی که هم موضوع معالم است اشاره می‌کنیم: کتابی ایرانی و هنرمندانه به نام مدینه‌شناسی از مرحوم محمدباقر نجفی که پیش از انقلاب با گروه عکس برداری خود، عکس‌هایی دیدنی از مدینه و اطرافش گرفت و جنگی چشم‌نواز از عکس و نقشه تا خوشنویسی و تذهیب و سیره فراهم آورد. متأسفانه در چاپ جدید و «ویراسته» این کتاب بخش عظیمی از زیبایی‌های آن حذف شده است. چاپ قدیم که در قطع سلطانی است حال و هوایی دیگر دارد. (چاپ قدیم: بی‌جا، بی‌تا؛ چاپ جدید: تهران، مشعر، ۱۳۸۶)



کعکی در موزه‌اش ده‌ها ماکت از مدینه قدیم ساخته و در کتاب معالم تفاوت بافت قدیم و جدید را روی عکس‌های ماهواره‌ای نشان داده است.

پیامبر(ص) است.^۶ کعکی تحصیلاتش را در رشته «مهندسی نقشه‌کشی و معماری» گذراند. او کارشناسی را در دانشگاه ملک سعود، ارشد را در دانشگاه آلازهر مصر و دکتری را در دانشگاه هریوت وات امریکا پی گرفت و سپس به زادگاهش برگشت و کتاب معالم المدینه را نوشت.

تألیف این اثر توجه فراوانی جلب کرد و در تغییر بعضی از سیاست‌های شهرسازی تأثیرگذار بود. کعکی در آغاز تألیف کتاب، استادی در دانشگاه طیبه (Tiba) بود، اما تلاش‌های او منجر به تعیین جایزه‌ای در حمایت از میراث فرهنگی و باستانی شد.^۷ کتاب او باعث شد پایان‌نامه‌های زیادی در رشته معماری به بررسی آثار گذشته بپردازد، برخی هتل‌های ثروتمند شهر به حمایت از طرح‌های الهام گرفته از قدیم رو آوردند و خود او به هیئت توسعه شهر مدینه راه یافت تا بیش از پیش در حمایت از آثار نقش‌آفرینی کند.^۸ او که اکنون پیری باتجربه است، افزون بر مشاوره طرح‌های عمرانی، موزه شخصی خود را در مدینه مدیریت می‌کند.^۹

برخورد اول

مهم‌ترین کتاب کعکی، «معالم المدینه المنورة بین العمارة والتاریخ» کتابی است حجیم در ۳۰ جلد (۹ جزء) با قطع رحلی و کاغذ گلاسه. نخستین بخش آن در ۱۹۹۸م منتشر شد و تألیف و چاپ آن پس از هفده سال به‌تازگی در ۲۰۱۵م به پایان رسید. این اثر به هزینه خود نویسنده در بیروت صفحه‌آرایی و چاپ شده است و به نظر می‌رسد که نویسنده تمام کتاب را. جدا از جزء آخر که از فرزندش نام برده. به‌تنهایی نوشته است.

عنوان کتاب به دقت انتخاب شده: اعلام جغرافیایی مدینه، از نظر معماری و تاریخی. وقتی کتاب را پیش رو می‌گذارید و ورق می‌زنید (سنگین‌تراز آن است که در دست بگیرید)، ابتدا مانند یک آلبوم عکس به نظر می‌رسد، اما اگر حوصله کنید؛ اطلاعات نایابی خواهید یافت. ابتدا نگاهی به عنوان هر جلد می‌اندازیم:

۶. این مطلب در مقدمه‌ی کتاب دیگر عبدالعزیز کعکی به نام «الدر المنثور فی بیان معالم المدینه الرسول (ص) فی العهد النبوی» آمده که تنها آثار زمان نبوت را معرفی کرده است.

۷. شاهزاده‌ای به نام سلطان بن سلمان که مسئول میراث فرهنگی است، جایزه سالانه‌ای را به نام خود برای پروژه‌های «میراث عمرانی» تعیین کرد.

۸. جزء ۸، جلد ۲، فصل ۶، ص ۴۳۴-۴۳۶.

۹. متحف دارالمدینه: www.dar-almadinah.com در این موزه دیدنی شمار زیادی ماکت تاریخی از مدینه و رویدادهایش ساخته و به همراه نمونه‌هایی از ابزار زندگی قدیم به نمایش درآمده است.

جزء	جلد. عنوان	توضیح
۱	۱. الجبال	یازده کوه کوچک و بزرگ مدینه، پوشش گیاهی و جانوری و رویدادهای تاریخی وابسته به هریک
۱	۲. الاودية والحرات	رودخانه‌های پرشمار مدینه و سه سنگلاخ آتشفشانی (حزّه یا لابه) در بیرون شهر
۲	معالم التطور العمرانی والتقدم الحضری	روند توسعه تمدن و پیشرفت شهرسازی از پیش از اسلام تا کنون
۳	۱. تاریخ و عمارة الحصون والأطام	تاریخ و ساخت قلعه‌های کوچک و بزرگ مسکونی ویژه مدینه (اطم)
۳	۲. الأسوار والأبواب والقلاع والأبراج	سور (بارو)، دروازه‌ها، مراکز نظامی و برج‌های دیده‌بانی مدینه
۴	۴-۱. تاریخ و عمارة المساجد الأثریة	تاریخ و ساخت مساجد باستانی مدینه
۵	۱. تاریخ و عمارة الدّور	تاریخ و ساخت عمارت‌ها و خانه‌ها
۵	۲. تاریخ و عمارة القُصور	تاریخ و ساخت کاخ‌های مدینه
۵	۳. تاریخ و عمارة الآبار والعیون	تاریخ و ساخت چاه‌ها و چشمه‌ها و از بین رفتن برخی آنان در طرح‌های توسعه
۶	۱. المكتبات والمدارس	مکتب‌خانه‌ها و مدرسه‌های قدیم و جدید
۶	۲. الأریطة والسکة الحديد والحمامات العامة والأسبلة	رباط‌ها، راه‌آهن حجاز که اکنون موزه شده، حمام‌های عمومی و انواع سبیل (چشمه، سقاخانه، آبخوری وقفی و محل استراحت ساقیان)
۷	۴-۱. النسیج العمرانی القديم للمدینة المنورة، التشیید و الخصائص و المقومات	ساخت، ویژگی‌ها و عناصر سازنده بافت قدیم شهر (بخش‌های تخریب شده)
۸	تاریخ و عمارة البيوت التقليدية بالمدینة المنورة وتقنیات البناء	خانه‌های سنتی و فن‌آوری‌های ساختمانی آن (نقشه، مصالح، ابزار ساخت، وسایل زندگی و...)
۹	۱. غزوة احد و خروج النبی الی حمراء الاسد	عنوان کلی این جزء «المواضع والبقا» است. این جلد مسیرو آثار جنگ احد را شرح می‌دهد
۹	۲. غزوة الخندق (الاحزاب) و خروج النبی الی بنی قینقاع	نقشه و عکس و ماکت‌هایی از خندق، پادگان و مسیر لشکر دو طرف
۹	۳. عالیة المدینة و سافلتها و خروج النبی الی بنی قینقاع والنضیر	مسیر حرکت پیامبر به سمت قلعه‌های یهودیان در بیرون شهر مدینه پس از پیمان شکنی
۹	۴. بقیع الغرقد (مقبرة اهل المدینة)، تاریخ و فضائله	تاریخ توسعه و مهم‌ترین مدفونان بقیع، مشروعیت زیارت، مراحل کفن و دفن در بقیع
۹	۵. انفجار برکان حرة المدینة المنورة (حرة المدینة الكبرى)	آثار به جامانده از روشن شدن آتشفشان مدینه در سال ۶۵۴ ق
۹	۶. انفجار القلعة السلطانیة (قلعة قيادة) و حریق زقاق القماشة (سویقة)	آثار به جامانده از انفجار پادگان تاریخی (۱۹۲۰) و آتش‌سوزی بازار پارچه‌فروش‌ها (۱۹۷۷)
۹	۷. سوق رسول الله (المناخة)، سوق المدینة المنورة	آثار به جامانده از بازار بزرگ مدینه که در قرن اخیر از بین رفت
۹	۸. مسار الطریق الهجرة النبویة المبارکة من قباء الی المدینة	خانه‌ها و قلعه‌های تیره‌های اوس و خزرج و قبایل یهودی در راه قبا تا مدینه
۹	۹. سقیفة بنی ساعده او مانعرف بسقیفة البیعة	سقیفه بنی ساعده که اکنون بستان شده است
۹	۱۰. اموال النبی و صدقاته المبارکة بالمدینة	اموال پیامبر و مزارع و نخلستان‌هایی که به فقرا بخشید و برخی تا این اواخر وجود داشت

مهم‌ترین کتاب کعبی، «معالم المدینة المنورة بین العمارة و التاریخ» کتابی است حجیم در ۳۰ جلد (۹ جزء) با قطع رحلی و کاغذ گلاسه. نخستین بخش آن در ۱۹۹۸م منتشر شد و تألیف و چاپ آن پس از هفده سال به تازگی در ۲۰۱۵م به پایان رسید. این اثر به هزینه خود نویسنده در بیروت صفحه‌آرایی و چاپ شده است و به نظر می‌رسد که نویسنده تمام کتاب را - جدا از جزء آخر که از فرزندش نام برده - به تنهایی نوشته است.



کتابخانهٔ رباط فاروقی که نویسنده می‌نویسد نیازمند فهرست شدن نسخه‌های خطی است.

متأسفانه سردرآوردن از نظم این کتاب آسان نیست. تفاوت جزء با جلد، عنوان‌های طولانی و طرح جلد‌های شلوغ خواننده را سردرگم می‌کند. در صفحات آغازین هر جلد، آیاتی از قرآن، عکس‌هایی از حرم، چندین عکس از شاه و شاهزادگان سابق و حاضر سعودی، شعرهایی در وصف پیامبر و مدینه، یادداشت‌های متعددی از مسئولانی چون استاندار و شهردار و امیران، تشکرها و قدردانی‌های پی‌درپی و صفحهٔ تقدیم و اهدا آمده است. تازه پس از تمام اینهاست که فهرست مطالب می‌آید و مقدمه و فصل‌های اصلی شروع می‌شود. با این‌همه اگر شکیباً باشید، سراسر نبودن برخورد اول را به ارزشمندی آنس با معالم می‌بخشید، به‌ویژه اگر راز بقای چنین کتابی در چنان محیطی را در همین صفحات آغازین بجویید.

به تماشای معالم

کعکی این کتاب را چگونه سازماندهی کرده است؟ او ابتدا اماکن تاریخی مدینه را به چند دسته تقسیم کرده و سپس به گردآوری و تحلیل اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی دربارهٔ آن‌ها پرداخته است. او از اماکن طبیعی مانند کوه و رود و گیاهان شروع می‌کند (جزء ۱)، سپس مراحل توسعهٔ شهر را در هزاروپانصد سال اخیر بازسازی می‌نماید (جزء ۲)، آن‌گاه به سراغ انواع بناهای شهر می‌رود (جزء ۳ تا ۶) و سپس به معرفی اماکن تخریب‌شده می‌پردازد (جزء ۷). پس از آن مراحل و اجزای ساختمان‌سازی سنتی را توضیح می‌دهد (جزء ۸) و سرانجام کتاب را با ده جلد (جزء ۹) به پایان می‌برد که در هر جلد، مسیر و آثار یکی از رویدادهای تاریخی مدینه را بررسی کرده است.

متأسفانه توضیحات کعکی دربارهٔ مراحل و روش کارش بسیار پراکنده است. به نظر می‌رسد کامل‌ترین توضیح را دربارهٔ مساجد کهن مدینه آورده است.^{۱۱} او شرح می‌دهد که یافتن اطلاعات با چه دشواری‌هایی همراه بوده؛ برای مثال دریافته که گاه نام یک مسجد در طول تاریخ تغییر کرده است.^{۱۲} گاهی نیز مسجد علاوه بر نام رسمی، چندین نام در میان مردم دارد.^{۱۳} گذشته از نام، بازسازی نقشه‌های تاریخی نیز ساده نبوده. در برخی گزارش‌های قدیم مشخص نیست که اندازه‌ها از داخل بنا گرفته شده یا از بیرون. همچنین برخی مورخان چند مسجد جدیدتر را کهن انگاشته‌اند و همین باعث شده مکان اصلی مسجدی کهن گم شود.^{۱۴} در مواردی هم جای برخی مساجد در هنگام بازسازی کمی تغییر کرده و برخی مساجد هم به‌کل تخریب شده‌اند و مکان سابق‌شان نامعلوم است؛ چون در میانهٔ میدان یا وسط خیابانی افتاده و نشانی‌هایی که او از کتاب‌ها درآورده یا از سالمندان محل سراغ گرفته، برپایهٔ پدیده‌های طبیعی و کوچه‌های اطراف بوده که بعضی از آنها هم از بین رفته است.

۱۰. نویسنده کتاب معالم را به پدر، مادر، «طیبه»، برادران و فرزندان، همسر و مادر فرزندان، مردم و دوستان طیبه اهدا کرده است. طیبه لقب شهر مدینه است که در ضمن نام دبیرستان نویسنده و دانشگاه محل کار او نیز هست.

۱۱. الجزء الرابع، المجلد الأول.

۱۲. چرایی این تغییرات جای بررسی دارد: نمونهٔ یک پژوهش علمی تاریخی. نشانه‌شناسی دربارهٔ تغییر اسم یک مکان در طول تاریخ، رک به: پاکتچی محلهٔ شیخ ابومسعود اصفهان.

۱۳. الجزء الرابع، المجلد الأول، ص ۲۹ به بعد.

۱۴. چنان‌که می‌دانیم مشابه چنین اتفاقی برای شهرگرگان یا جرجان قدیم افتاده است. شهر کهن ویران شده و سپس شهر استرآباد که در نزدیکی آن بوده به نام گرگان شهرت یافته است؛ بنابراین گرگان جدید، استرآباد قدیم است که در چند ده کیلومتری آن آثاری به‌جامانده از گرگان قدیم وجود دارد.

با این همه کعکی ناامید نشده و با صبوری و دقت و از همان داده‌های موجود به یافته‌هایی ارزشمند و تازه رسیده است. او ابتدا همه اطلاعات به جامانده از کتاب و نقاشی و خاطره تا عکس‌های هوایی و آمار اداری را ثبت کرده و سپس با تصاویر ماهواره‌ای و عکس‌های جدید مقایسه کرده و «با محاسبات دشوار» توانسته جای آنها را بر زمین به طور دقیق یا حدودی بیابد. سپس به بازدید میدانی رفته و توانسته به شواهدی جدید در اثبات برخی گمانه‌ها دست یابد و مثلاً حتی سنگ‌هایی از ویرانه مسجلی را در وسط زمینی کشاورزی بیابد یا با کاوش، بازمانده‌هایی از پی و محراب مسجلی را پیدا کرده و نقشه آن را ترسیم کند. در کنار اینها مترصد اخبار جدید نیز بوده و اگر شنیده که اثری در آستانه تخریب است، خود را به محل رسانده و پیش از عملیات تخریب و گاه در حین آن به اندازه‌گیری و ثبت نقشه بنا پرداخته و کالبدشکافانه فناوری‌های ساخت آن را بررسی کرده است.



کتابخانه رفعت پاشا، نویسنده مرآة الحرمین؟؟ اکنون تخریب شده. به نحوه چیدن کتاب در قفسه‌ها دقت کنید.

دقت و ذوق نویسنده منحصر به محاسبات مهندسی نیست، بلکه اطلاعات اجتماعی و مردم‌شناسی را نیز در بر گرفته است. اینک به ذکر چند نمونه از آن می‌پردازیم.

در جزء ششم که درباره مکتب‌خانه‌های قدیم مدینه است، علاوه بر چندین عکس و نقشه، توصیفی زنده از درس خواندن قدما به دست می‌دهد. نویسنده شرح داده که چگونه هراستاد یک کتاب یا اتاق درس مخصوص به خود داشته، چگونه کودکان و نوجوانان کتاب‌های درسی را از بر می‌کرده و گاه فلک می‌شده‌اند و دختران و زنان جوان در کتابت ویژه بانوان درس می‌خوانده‌اند.^{۱۵}

با توضیحات کتاب می‌توان فضای چندملیتی مدینه را بهتر تصور کرد. «رباط»ها اقامتگاه‌هایی با حیاطی در مرکز و مجموعه اتاقی دور تا دور با کاربری مسکونی و فرهنگی بوده‌اند که برخی کوچک بوده و برخی تا هفتاد اتاق داشته‌اند. اموالی برای تأمین هزینه‌های رباط وقف آن می‌شده؛ زیرا رباط را برای استفاده رایگان گروهی خاصی، به ویژه تنگدستان و مسافران می‌ساخته‌اند؛ گروه‌هایی مانند مردان، زنان، متأهلان، سادات، دانشجویان یک مرکز، اهل یک مذهب یا طریقه صوفیه، مردم کشور یا شهر و... مانند رباط مراکشی‌ها، حبشی‌ها، آلبانیایی‌ها، سندی‌ها، ختنی‌های غرب چین، رباط یا تکیه مصری‌ها و رباط مراغه. در قرن نهم هجری فقط پیرامون مسجدالنبی ۳۹ رباط، در قرن چهاردهم هجری در کل مدینه حدود ۱۰۰ رباط و در سال ۲۰۰۵ م همچنان ۸۲ رباط در مدینه بوده است؛ از جمله رباط عجم، رباط فاضله عجمیه و رباط عبدالکریم العجمی.^{۱۶} رباط عجم یا اصفهانی، که سپس به رباط عثمان بن عفان تغییر نام داد. رو به روی حرم بوده است.

نویسنده در جزء دوم روند شهرسازی مدینه را از پیش از عصر نبوی تا کنون شرح می‌دهد. می‌گوید که چگونه پس از جنگ جهانی دوم شبکه راه‌های خشکی و هوایی و دریایی گسترش یافت، اما برنامه خاصی برای گسترش منظم شهر نبود تا آنکه زیر نظر وزارت داخله سعودی و گاه زیر نظر مستقیم ملک، طرح‌های توسعه ابتدا زیر نظر ۱۰ مهندس مسلمان (هشت مصری، یک سوری و یک پاکستانی) و سپس توسط چند شرکت غربی (به ویژه در دهه هفتاد میلادی) انجام شد و خیابان‌کشی‌های جدید، سیستم جدید آب و برق

متأسفانه توضیحات کعکی درباره مراحل و روش کارش بسیار پراکنده است. به نظر می‌رسد کامل‌ترین توضیح را درباره مساجد کهن مدینه آورده است. او شرح می‌دهد که یافتن اطلاعات با چه دشواری‌هایی همراه بوده؛ برای مثال دریافته که گاه نام یک مسجد در طول تاریخ تغییر کرده است.

۱۵. جزء ۶، جلد ۱، ص ۴۶۶ به بعد.

۱۶. ص ۸۰۸ تا ۸۲۳.



کتابخانه تخریب شده یکی از علمای مدینه. به نصب تابلو بر روی قفسه‌ها توجه کنید. ظاهراً بر خلاف علمای کنونی ریاض و نجد، عکس گرفتن از چهره انسان را حرام نمی‌دانسته و گنبد پیامبر را هم محترم و مقدس می‌شمرده است.

شهر، سیستم تهویه حرم و پروژه بازسازی چند مسجد باستانی و چاپخانه قرآن طراحی و اجرا شد.

کعکی می‌گوید در توسعه شهر نباید کاربری‌ها را تغییر داد؛ برای مثال نمی‌توان ساختمانی با کاربری خدماتی را به مسکونی تبدیل کرد، بلکه باید هر ساختمان را یا بازسازی کرد یا همان را گسترش داد.^{۱۷} او شرح می‌دهد که بافت قدیم شهر به همین ترتیب بر اساس ارزش‌های دینی، قوانین فقهی و حقوقی، اخلاق و آداب اجتماعی و هماهنگی با طبیعت شکل یافته بود و نیازهای فردی و اجتماعی (از حریم خصوصی تا نور و تهویه) را تأمین می‌کرد.^{۱۸} وی جزء هفتم را با چهار جلد و یک هزار و چندصد عکس و نقشه به معرفی آثار تخریب شده مدینه و تعیین جای دقیق آنان اختصاص داده است.

گفتنی است نویسنده نه تنها در عنوان این جزء، بلکه در هیچ جای دیگر معالم بالحنی که صریحاً منفی یا سرزنشگر باشد درباره تخریب‌ها حرف نزده است. وقتی می‌خواهد بگوید فلان بنا دیگر وجود ندارد، می‌گوید «تَمَّ إِزَالَةُ فُلَانٍ فِي مَشْرُوعِ فُلَانٍ بِزَمَنِ خَدَامِ الْحَرَمِينَ، مَلِكِ فُلَانٍ رَحِمَهُ اللَّهُ»؛ یعنی فلان چیز در فلان طرح در زمان فلان پادشاه یا امیر که خدایش بیامزد از میان برداشته شد. گاهی هم از واژه «هُدِمَ» استفاده می‌کند که

یعنی تخریب شد. او هر جا از یکی از مسئولان پیشین یا کنونی سعودی نام برده، نهایت احترام را گذاشته است.



او می‌نویسد علاوه بر بقیع عرقده یا بقیع اهل مدینه که بزرگ‌ترین قبرستان شهر است، چند مرقد و قبرستان کوچک‌تر هم در اطراف بوده که با بقیع ادغام شده یا کاملاً از بین رفته‌اند. برای مثال بقیع زبیر و قبر اسماعیل فرزند امام صادق (ع) تخریب شده و بقایای قبرها به بقیع کنونی منتقل شده است. کعکی در اینجا اظهار نظر شگفت‌انگیزی کرده و می‌نویسد مقبره امام صادق (ع) در خیابان حاشیه بقیع بوده و با افزودن خیابان به قبرستان داخل آن افتاده است.^{۱۹} احتمالاً او خانه امام صادق (ع) را با بارگاه ایشان اشتباه گرفته، به ویژه که در جلد چهارم از جزء نهم، آرامگاه امام صادق را در کنار آرامگاه امام باقر و امام سجاد (ع) معرفی می‌کند.

به کامپیوتر و نوارکاست‌ها در سمت چپ و پایین عکس توجه کنید

شاید برای شما هم این سؤال پیش بیاید که نویسنده معالم چه طرز فکر مذهبی‌ای دارد؟ باید گفت که او فردی مذهبی و سنی است، اما شیعه‌ستیز نیست. او که اکنون نیز در موزه‌اش به گرمی پذیرای بازدیدکنندگان همه مذاهب است،^{۲۰} در جزء نهم منبری طولانی در باب مشروعیت و استحباب زیارت ایراد کرده و عکس‌هایی

۱۷. جزء هفتم، مقدمه و نیز ص ۱۴۹. چنان‌که می‌دانید در مورد شهرهای باستانی یونان، آلمان، انگلستان و مانند آن همچنان این روند رخ می‌دهد. ۱۸. ص ۱۴۹ تا ۱۵۹.

۱۹. جزء هفتم، جلد ۴، ص ۲۰۰ تا ۲۰۶.

۲۰. علاوه بر اخباری که در سایت‌های خبری فارسی درباره بازدید گروهی از نخبگان ایرانی از موزه دارالمدینه آمده است، رسول جعفریان (روحانی و پژوهشگر ایرانی) در سفرنامه‌اش، یاد یار و دیار، از دیدار با کعکی به خوبی یاد کرده است.

نادر از بارگاه اهل بیت در بقیع آورده است. او بقیع را دومین زیارتگاه مهم حاجیان در مدینه می‌شمارد و قصیده غزایی در وصف بقیع نقل می‌کند که شاعر در آن شفاعت پیامبر را طلبیده است.^{۲۱}

با این حال نباید به اشتباه افتاد و او را شیعه دانست. او در بیان مدفونان بقیع، «اهل البیت» را این‌گونه برمی‌شمارد: السیة فاطمة الزهراء رضی الله عنها، العباس بن عبدالمطلب، الحسن بن علی، زین العابدین بن الحسین بن علی، محمدالباقربن زین العابدین، جعفرالصادق بن محمدالباقربن علی، و پس از نام هریک «رضی الله عنه» می‌آورد. همچنین در شرح حال حضرت فاطمه (س) روایتی سنی از پایان عمر ایشان ارائه نموده و مدفن

وی را در یکی از چهار قبر جلوی قبر عباس، عموی پیامبر می‌داند (با این احتساب یک قبر کم می‌آید. پس آن چهار قبر هم ردیف را «قبر کلتی» آن پنج نفر می‌داند). او در این جلد «قبور اهل البیت» را جدا و «قبور أمهات المؤمنین» را جدا نشان داده است و قبر ماریه را هم جداگانه به عنوان کنیز پیامبر و مادر ابراهیم معرفی می‌کند. با این حال در جلدی دیگر^{۲۲} که از خانه‌های مدینه سخن گفته و به خانه‌های اهل بیت در جوار آرامگاه پیامبر اشاره کرده، تأکید می‌کند که مصداق اهل بیت تنها همسران پیامبر نیستند، بلکه حدیث کسا نازل شده تا ثابت کند پنج تن «اهل عبا» هم در شمار اهل بیت‌اند.

بر روی هم کعکی ادعایی در شناخت و معرفی مذاهب ندارد. او حتی هنگام سخن از مساجد و مدارس و رباط‌ها، درباره مذهب صاحبان آن -چه شیعه چه سنی- سخنی نگفته است. شاید هم از سر محافظه‌کاری باشد؛ زیرا مثلاً در هیچ جای معالم به حسینیه‌های شیعیان مدینه، چه تخریب شده و چه موجود، اشاره‌ای نکرده است.^{۲۳}

جمع‌بندی

این کتاب به ویژه برای مخاطب عربی، بسیار تأثیرگذار و تحسین‌برانگیز است. همچون غم‌نامه‌ای باشکوه، همدلی برمی‌انگیزد و مخاطب را قانع می‌کند که آثار تاریخی، بخشی از هویت دینی و محلی است که باید باقی بماند. نویسنده با آیات و روایات و اشعاری خواندنی تأکید می‌کند که بازدید این اماکن نامشروع نیست و هماهنگ با دینداری و ایمان است. همچنین با لحن یک مهندسی فرنگ‌رفته ثابت می‌کند که مرده‌پرستی هم نیست و با

نیازهای روز سازگار است.

البته باید توجه کرد که ارزش معالم المدینه، بیشتر از منظر مهندسی و تأثیر سیاسی‌رندانه آن است، نه نگاه تخصصی تاریخی. نویسنده مانند باستان‌شناسان عمل نکرده و بسیاری از اطلاعات را تاریخ‌گذاری

۲۱. جزء ۹، جلد ۴، ص ۱۴-۱۷.

۲۲. جزء ۵، ج ۱.

۲۳. گفتنی است در حکومت حاضر عربستان ساخت مسجد برای شیعیان با محدودیت بسیار همراه است و مراسم دینی را در حسینیه‌های رسمی و غیررسمی برگزار می‌کنند. رک به: یاد یار و دیار، ص ۴۴۹. در مورد فلک هم توجه کنید که اینک واحه‌ای در ۲۸۰ کیلومتری مدینه است و در تقسیمات کشوری جزء امارت حائل به شمار می‌رود.



نویسنده بقیع را دومین زیارتگاه مهم مدینه به ویژه برای حاجیان می‌داند و می‌گوید «در طول تاریخ، بزرگ و کوچک به آن احترام گذاشته‌اند و راه‌های زیادی برای آسانی رفت‌وآمد و زیارت بیرون و درون آن کشیده‌اند». او در جلد بقیع در جزء نهم از سوی مردم مدینه از مسئولان می‌خواهد که این مقبره را گسترش دهند تا اموات بیشتری از دفن در آن بهره‌مند شوند.



(۹) ربيع الغرد - القبور المتواترة
سورة قدرمة للبقع نظير هيا قة اهل
البیت علی بین الصورة ثم قة مات
التي تكبر وقفة زوجات النبي ﷺ ثم
قفة سيدنا علي بن أبي طالب ومن معه
رضي الله عنهم ثم قفة سيدنا مالك بن
انس ومن معه رضي الله عنهم.

تخریب گنبد‌های بقیع در سال ۱۹۲۵-۱۹۲۶ صورت گرفت. نویسنده از آرامگاه امامان شیعه به نام «قبور اهل البیت» یا «بقیع اهل البیت» (جزء ۹، ج ۴، ص ۲۰۳) نام می‌برد. او قبر تک‌تک مشاهیر بقیع را با مختصات دقیق جغرافیایی نشان داده است.



قبور اهل بیت در بقیع، پس از تخریب گنبد و پیش از مسطح کردن قبرها و تخریب نیم‌دیوار.

نکرده یا به تأثیر و تأثرهای فرهنگی و تطوّر سبک معماری در دوره‌های متفاوت و در مقایسه با شهرهای دیگر توجه چندانی نداشته است.

گم‌گشته دیار محبت کجا رود ...

این روزها که سلفیان تندرو، علاوه بر داغ جان انسان، داغ میراث فرهنگی خاورمیانه را به دل می‌گذارند، اهمیت کتاب‌هایی چون معالم بیشتر به چشم می‌آید. البته عکس و نقشه جای شهرو دیار را نمی‌گیرد و حتی اگر آتش‌بس تخریب اعلام شود، زخم ویرانه‌ها مرهمی ندارد. کعکی در آغاز جلد هفتم، شعری لطیف از شاعری سوری می‌آورد:

قالوا: الرُّفَاقُ قَدِيمٌ فَما هَجَرُوا الدَّارَا
 سَـيَهْدُمُ الحَيُّ «تَخْطِيطاً» و «إِعْمَاراً»
 وَفِي الرُّفَاقِ حَـبِيبٌ كُنْتُ أَعْشَقُهُ
 وَفِيهِ كَأَنَّ كَرِيمَ القَوْمِ لِي جَارَا ... ۲۴



گفتند این کوچه قدیمی است؛ خانه را خالی کنید؛ به خاطر «طرح» و «عمران»، محله خراب خواهد شد، اما در آن کوچه حبیبی است که من عاشق او بودم، بزرگ ما در آنجا با من همسایه بود ...

مجموعه مسجد، رباط و مدرسه رستمیه در حال تخریب



تکیه مصریه که از میان رفته است

۲۴. قصیده الرقاق القدیم از دکتر محمود ابوالهدی الحسینی، شاعر اهل حلب.

